Dhaka University Journal of Persian (Academic-Research) Year: 8, Issue: 8, June 2023
Dhaka, Bangladesh. ISSN : 2791-0679
مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا (علمی - پژوهشی)، سال: ۸، شماره: ۸، ژوئن ۲۰۲۳م

# Women's Role in Advancing Persian Studies at Bangladeshi Universities

Md. Mumit Al Rashid[1]
Sayma Akter[2]

**ARTICLE INFO**

**Article type**
Academic-Research

**Received**
24 May 2025

**Revised**
11 October 2026

**Accepted**
19 October 2026

**Published online**
25 October 2026

**Printing date of Publication**
30 October 2026

**Keywords:**
Women academics; Persian studies; Bangladesh; Knowledge production; Professional experiences; Qualitative research.

**ABSTRACT**

Persian studies in Bangladesh encompass language, literature, historical heritage, and cultural relations. Yet women's contributions remain documented mainly in individual biographies and institutional histories, with limited systematic analysis. This study examines women's scholarly participation and the professional conditions shaping their work. Using a qualitative, descriptive-analytical approach, it draws on historical and academic sources, scholarly records, and six telephone interviews conducted in September 2026 with female academics at Dhaka, Rajshahi, and Chittagong universities. Data are interpreted across four themes: teaching and educational resources; research and heritage preservation; translation and cultural relations; and professional experiences. Findings reveal contributions to textual editing, translation, teaching materials, contemporary literary research, language instruction, and cultural activities. Interviewees identify professional recognition, institutional hierarchies, family support, and student motivation as significant influences. Some experiences reflect gender-related conditions; others concern broader challenges in Persian education. The study situates women's contributions within knowledge production, scholarly skill transmission, and institutional continuity. Its findings are limited to the cases examined and neither quantify participation nor establish causality between women's activities and disciplinary advancement.

1 PhD, Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, University of Dhaka, Bangladesh. Email: mumitarashid@du.ac.bd
2 M.Phil. Researcher, Department of Persian Language and Literature, University of Dhaka, Bangladesh, Email: s-2016415425@pll.du.ac.bd

**How to Cite:** Al Rashid, Md. Mumit., & Akter, Sayma (2026). *Women's Role in Advancing Persian Studies at Bangladeshi Universities*, Dhaka University Journal of Persian, 8(8), 127-138. **DOI: https://doi.org/10.68651/dujp.v8i1.1**

# نقش زنان در شکوفایی مطالعات فارسی در دانشگاه‌های بنگلادش

دکتر محمد ممیت الرشید[۱]
صائمه اختر[۲]

**اطلاعات مقاله**

**نوع مقاله:** علمی - پژوهشی

**تاریخ دریافت:**
۱۴۰۴/۰۳/۰۳

**تاریخ بازنگری:**
۱۴۰۵/۰۷/۱۹

**تاریخ پذیرش:**
۱۴۰۵/۰۷/۲۷

**تاریخ نشر آنلاین :**
۳ آبان ۱۴۰۵

**تاریخ انتشار:**
۸ آبان ۱۴۰۵

**واژگان کلیدی:**
مشارکت زنان، مطالعات فارسی، آموزش عالی، بنگلادش، تجربه‌های حرفه‌ای، پژوهش کیفی.

**چکیده**

مطالعات فارسی در بنگلادش، افزون بر زبان و ادبیات، میراث تاریخی و مناسبات فرهنگی را نیز دربرمی‌گیرد. بااین‌حال، سهم زنان در منابع بررسی‌شده عمدتاً در شرح‌حال‌های فردی و تاریخ نهادهای آموزشی بازتاب یافته و کمتر موضوع تحلیلی یکپارچه بوده است. پژوهش حاضر، حوزه‌های مشارکت علمی زنان و شرایط حرفه‌ای فعالیت آنان را بررسی می‌کند. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی‌ـتحلیلی، بر منابع تاریخی و دانشگاهی، سوابق علمی و شش مصاحبهٔ تلفنی با استادان زن دانشگاه‌های داکا، راجشاهی و چیتاگونگ در سپتامبر ۲۰۲۶ استوار است. داده‌ها در چهار محور آموزش و تدوین منابع، پژوهش و پاسداشت میراث، ترجمه و مناسبات فرهنگی، و تجارب حرفه‌ای تحلیل شده‌اند. یافته‌ها از مشارکت زنان در تصحیح و ترجمهٔ متون، تألیف منابع آموزشی، پژوهش در ادبیات معاصر، تدریس فارسی و فعالیت‌های فرهنگی حکایت دارند. روایت‌های مصاحبه‌شوندگان، شناسایی شایستگی حرفه‌ای، سلسله‌مراتب نهادی، حمایت خانواده و انگیزش دانشجویان را برجسته می‌سازند. برخی مسائل جنسیتی‌اند و برخی به دشواری‌های عمومی آموزش فارسی بازمی‌گردند. نقش زنان در پیوند با تولید دانش، انتقال مهارت و تداوم نهادی رشته تفسیر می‌شود. نتایج به موارد بررسی‌شده محدود است و مبنای سنجش آماری یا استنباط علّی نیست.

---

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش. ایمیل: mumitarashid@du.ac.bd
۲. دانشجوی پیش دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش. ایمیل: s-2016415425@pll.du.ac.bd

**شیوهٔ ارجاع دادن:** الرشید، محمد ممیت و اختر، صائمه (۲۰۲۶). *نقش زنان در شکوفایی مطالعات فارسی در دانشگاه‌های بنگلادش*، مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا، سال: ۸، شماره: ۸، ص۱۲۷-۱۳۸. **DOI: https://doi.org/10.68651/dujp.v8i1.1**

**مقدمه و بیان مسئله:**

زبان فارسی در تاریخ بنگال جایگاهی فراتر از یک زبان خارجی داشته است. بخشی از منابع تاریخی، سنت‌های ادبی و روابط فرهنگی این منطقه با متون فارسی ارتباط دارد؛ ازاین‌رو، آموزش دانشگاهی فارسی می‌تواند هم به فراگیری زبان و هم به دسترسی به میراث مکتوب کمک کند (سهسرامی، ۱۹۹۹؛ عبدالله، ۱۹۸۳). گسترش نهادهای آموزش عالی در بنگلادش، زمینه‌ای برای استمرار این مطالعات در قالب تدریس، تألیف، ترجمه و پژوهش فراهم کرده است.

در دانشگاه داکا، آموزش فارسی در آغاز در قالب گروه فارسی و اردو سازمان یافت و در دوره‌های بعد، مطالعات فارسی در دانشگاه‌های دیگر نیز ادامه پیدا کرد (خان و حسن، ۲۰۲۲). تاریخ این نهادها معمولاً با تأکید بر تأسیس گروه‌ها، برنامه‌های آموزشی و آثار استادان روایت می‌شود؛ اما این شیوه لزوماً سهم گروه‌های مختلف کنشگران، از جمله زنان را به‌صورت مستقل آشکار نمی‌کند.

مسئلهٔ پژوهش حاضر صرفاً شناسایی زنان فعال در این رشته نیست، بلکه توضیح شکل‌های مشارکت آنان و نسبت این فعالیت‌ها با استمرار و تغییر موضوعات مطالعات فارسی است. فهرست آثار و شرح‌حال‌ها نشان می‌دهد چه فعالیت‌هایی انجام شده است، اما برای تحلیل نقش علمی باید روشن شود این فعالیت‌ها در کدام حوزهٔ آموزشی، پژوهشی یا فرهنگی قرارمی‌گیرند و چه ظرفیت‌هایی ایجاد می‌کنند. همچنین، حضور دانشگاهی بدون بررسی شرایط حرفه‌ای آن، تصویری ناقص از مشارکت زنان ارائه می‌دهد.

در این مقاله، «مشارکت» به معنای فعالیت در تدریس، تولید منابع، پژوهش، ترجمه، راهنمایی علمی و مسئولیت‌های آموزشی و فرهنگی است. «تداوم» به حفظ امکان آموزش و دسترسی به منابع فارسی، و «تحول» به گسترش موضوعات و شیوه‌های فعالیت در این حوزه اشاره دارد. این مفاهیم برای سازمان‌دهی شواهد به کار می‌روند و به معنای سنجش کمّی تأثیر یا ارائهٔ نظریهٔ علّی نیستند.

**اهداف و پرسش‌های پژوهش**

هدف اصلی، تحلیل حوزه‌های مشارکت زنان در مطالعات دانشگاهی فارسی در بنگلادش و بررسی شرایط حرفه‌ای این مشارکت است. اهداف فرعی شامل شناسایی پیوند فعالیت‌های زنان با حفظ میراث مکتوب، آموزش زبان، ترجمه و تنوع موضوعی پژوهش‌ها و نیز تفکیک چالش‌های جنسیتی از مشکلات عمومی آموزش فارسی است.

پژوهش سه پرسش اصلی دارد: نخست، فعالیت زنان در موارد بررسی‌شده در چه حوزه‌هایی صورت گرفته است؟ دوم، این فعالیت‌ها چه نسبتی با تداوم آموزشی و گسترش موضوعات مطالعات فارسی دارند؟ سوم، استادان زنِ مصاحبه‌شونده چه شرایط و موانعی را در تجربه‌های حرفه‌ای خود گزارش کرده‌اند؟

## پیشینهٔ پژوهش و جایگاه مطالعهٔ حاضر

منابع مرتبط را می‌توان در سه گروه بررسی کرد. گروه نخست به تاریخ زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش اختصاص دارد. عبدالله (۱۹۸۳)، سهسرامی (۱۹۹۹) و خان (۲۰۱۷) زمینه‌های تاریخی و فرهنگی حضور فارسی و فعالیت‌های مرتبط با آن را بررسی کرده‌اند. این آثار برای شناخت بستر مطالعات دانشگاهی اهمیت دارند، اما موضوع اصلی آن‌ها تحلیل نظام‌مند مشارکت زنان نیست.

گروه دوم، ترجمه و تاریخ نهادهای علمی را دربرمی‌گیرد. سرکار (۲۰۱۵) ترجمهٔ آثار فارسی در بنگلادش را در فاصلهٔ ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۵ بررسی کرده است. مجموعهٔ تدوین‌شده به کوشش خان و حسن (۲۰۲۲) نیز اطلاعاتی دربارهٔ گروه فارسی دانشگاه داکا و فعالیت‌های این حوزه ارائه می‌دهد. کتاب سرکار دربارهٔ پژوهش‌های دکتری و ام‌فیل دانشگاه داکا، برای شناسایی موضوعات پژوهشی و حضور زنان در تحصیلات تکمیلی سودمند است (سرکار، ۲۰۲۱).

گروه سوم به زندگی علمی اشخاص اختصاص دارد. اثر سرکار دربارهٔ کلثوم ابوالبشر، فعالیت‌های آموزشی، آثار و ارتباطات علمی او را مستند می‌کند (سرکار، ۲۰۲۱ب). این کتاب نمونه‌ای از توجه مستقیم به یک زن دانشگاهی در مطالعات فارسی است؛ بنابراین، نمی‌توان پیشینهٔ این حوزه را فاقد مطالعهٔ زنان دانست. بااین‌حال، شرح‌حال یک فرد با تحلیل مقایسه‌ای حوزه‌های مشارکت و شرایط حرفه‌ای چند زن دانشگاهی تفاوت دارد.

جایگاه پژوهش حاضر در تلفیق دو سطح است: بررسی اسنادی فعالیت‌های علمی زنان و تحلیل روایت‌های حرفه‌ای استادان زن. نوآوری مقاله در سازمان‌دهی این شواهد بر اساس حوزه‌های مشارکت و شرایط فعالیت است. ادعای خلأ پژوهشی نیز به منابع بررسی‌شده محدود می‌شود؛ اثبات نبود هرگونه مطالعهٔ مشابه، مستلزم جست‌وجویی جامع‌تر در پایگاه‌های علمی است.

## طرح و منابع داده

این پژوهش کیفی و توصیفی‌ـتحلیلی است. بخش اسنادی بر کتاب‌های تاریخی و دانشگاهی، اطلاعات آثار علمی و رزومه‌های ارائه‌شده به پژوهشگران تکیه دارد. بخش مصاحبه شامل گفت‌وگوهای تلفنی جداگانه با شش استاد زن فعال در دانشگاه‌های داکا، راجشاهی و چیتاگونگ

است که در سپتامبر ۲۰۲۶م. و بر اساس پرسش‌های از پیش تعیین‌شده انجام شده‌اند. محورهای گفت‌وگو شامل تجربه‌های حرفه‌ای و آموزشی، حمایت خانواده، روابط نهادی و علاقه‌مندی دانشجویان بوده است.

دامنهٔ نهادی بخش مصاحبه به این سه دانشگاه محدود است. ازاین‌رو، یافته‌های مصاحبه به دانشگاه خولنا یا دیگر نهادهای آموزش فارسی تعمیم داده نمی‌شود. همچنین، افراد معرفی‌شده در بخش تاریخی و اسنادی الزاماً همان شش مصاحبه‌شونده نیستند. تفکیک این دو مجموعه برای جلوگیری از نسبت‌دادن روایت‌های مصاحبه به اشخاص نام‌برده ضروری است.

### سازمان‌دهی و تفسیر داده‌ها

واحد بررسی در بخش اسنادی، فعالیت یا اثر علمی است؛ در بخش مصاحبه، مضمون گزارش‌شده درباره تجربه‌های حرفه‌ای و آموزشی بررسی می‌شود. اطلاعات اسنادی در چهار محور آموزش و منابع، پژوهش و میراث مکتوب، ترجمه و ارتباطات فرهنگی، و پرورش پژوهشگران دسته‌بندی شده است. روایت‌های مصاحبه نیز در محورهای ارزیابی شایستگی، روابط سازمانی، حمایت خانواده و انگیزش دانشجویان تحلیل می‌شود.

این دسته‌بندی به معنی اجرای یک پروتکل مستقل و تأییدشدهٔ کدگذاری نیست. شواهد اسنادی برای شناسایی نوع فعالیت و روایت‌های مصاحبه برای شناخت تجربه‌ها به کار می‌روند؛ هیچ‌یک جایگزین دیگری نیست. برای مثال، انتشار یک منبع آموزشی وجود آن را نشان می‌دهد، اما به‌تنهایی اثربخشی آن بر یادگیری دانشجویان را ثابت نمی‌کند.

### محدودیت‌های روش‌شناختی

نمونهٔ شش‌نفره امکان تعمیم آماری ندارد. اطلاعات موجود برای ادعای اشباع داده، سنجش توافق کدگذاران یا محاسبهٔ فراوانی مضامین کافی نیست. روایت‌های مصاحبه نیز دیدگاه مشارکت‌کنندگان را منعکس می‌کند و بدون داده‌های تکمیلی نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان ویژگی قطعی تمام محیط‌های دانشگاهی معرفی کرد.

رزومه‌ها و فهرست آثار از حیث کامل‌بودن، زمان به‌روزرسانی و تفکیک مقاله چاپ‌شده از مقالهٔ ارائه‌شده در همایش یکسان نیستند. بنابراین، شمار آثار مبنای رتبه‌بندی پژوهشگران قرار نگرفته است. برای مطالب برگرفته از مصاحبه، از نقل‌قول مستقیم استفاده نمی‌شود؛ زیرا متن پیاده‌شدهٔ قابل استناد در دسترس این بازنویسی نیست. مشخصات اجرایی مصاحبه، نحوهٔ انتخاب

مشارکت‌کنندگان و رضایت آنان برای استفاده پژوهشی از اطلاعات باید در گزارش نهایی روش مستند شود.

- **یافته‌های اسنادی: حوزه‌های مشارکت زنان**

**حفظ میراث مکتوب و پژوهش تاریخی**

فعالیت عابده حافظ نمونه‌ای از پیوند مطالعات فارسی با پژوهش تاریخی است. در منابع مربوط، تصحیح و ترجمهٔ انگلیسی «تاریخ شاه شجاعی» از فعالیت‌های اصلی او معرفی شده است. مقابلهٔ نسخه‌ها و انتقال متن به زبان انگلیسی، امکان استفاده از یک منبع فارسی را برای مخاطبانی گسترده‌تر فراهم می‌کند (سرکار، ۲۰۱۵). اهمیت این فعالیت برای بحث حاضر، در تبدیل مهارت زبانی به ابزار دسترسی به اسناد تاریخی است، نه صرفاً در جایگاه فردی پژوهشگر.

پژوهش‌های امّ سلمه درباره تاریخ و روابط فارسی، اردو و بنگالی نیز در همین محور قرار می‌گیرد. موضوعاتی مانند تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر بنگالی و ترجمه و تصحیح متون، نشان‌دهندهٔ اتصال پژوهش ادبی به تاریخ فرهنگی منطقه‌اند (خان و حسن، ۲۰۲۲). در فعالیت زینت‌آرا سراجی، توجه به ادبیات و فرهنگ جامعهٔ شیعیان داکا، یکی دیگر از صورت‌های پیوند مطالعات فارسی با تاریخ اجتماعی و فرهنگی است.

وجه مشترک این موارد، استفاده از فارسی برای شناخت میراث محلی و منطقه‌ای است. این شواهد نشان می‌دهد که موضوع مطالعات دانشگاهی فارسی در بنگلادش به بررسی ادبیات ایران محدود نیست و می‌تواند بخشی از منابع و روابط تاریخی بنگال را نیز دربرگیرد.

**تولید منابع و تقویت آموزش فارسی**

کلثوم ابوالبشر در منابع مربوط، با تألیف آثار آموزشی و فرهنگ‌نویسی معرفی شده است. آثاری مانند «فرهنگ فارسی ـ بنگلا ـ انگلیسی»، «فارسی جدید» و «گلشن فارسی» در این حوزه قرار دارند (سرکار، ۲۰۲۱ب). فرهنگ چندزبانه، رابطهٔ واژه فارسی با معادل‌های بنگالی و انگلیسی را در اختیار زبان‌آموز قرار می‌دهد و از این حیث، ظرفیتی برای آموزش و ترجمه ایجاد می‌کند. تعیین میزان کاربرد یا اثربخشی این آثار، به بررسی برنامه‌های درسی و تجربهٔ استفاده‌کنندگان نیاز دارد.

پژوهش‌های شمیم بانو دربارهٔ مشکلات آموزش فارسی، افعال مرکب و مقایسهٔ ساخت فعل فارسی و بنگالی، به مسائل زبانی مشخصی می‌پردازد (خان، ۲۰۱۷). این موضوعات از آن جهت مهم‌اند که آموزش را با ساختار زبان مادری دانشجویان پیوند می‌دهند. بااین‌حال، وجود چنین پژوهش‌هایی به‌تنهایی نشان‌دهندهٔ اجرای پیشنهادهای آن‌ها در کلاس درس نیست.

در سوابق تنجینه بنت نور، فعالیت باشگاه زبان «سخن»، مناظرهٔ فارسی و پژوهش دربارهٔ کاربرد فناوری در آموزش گزارش شده است. این فعالیت‌ها امکان کاربرد زبان خارج از قالب امتحان را مطرح می‌کنند. پژوهش راحله اختر سومی دربارهٔ ارزشیابی برنامه‌های درسی فارسی در دانشگاه‌های داکا، راجشاهی و چیتاگونگ نیز آموزش زبان را به موضوع پژوهش تبدیل می‌کند. مجموع این موارد از توجه به منابع، مهارت‌های زبانی و برنامه درسی حکایت دارد؛ اما برای مقایسهٔ نتایج آموزشی، داده‌های مستقلی لازم است.

## ترجمه و مناسبات فارسی و بنگالی

ترجمه در فعالیت زنان، هم در جهت معرفی متون فارسی و هم در جهت انتقال ادبیات بنگالی به فارسی دیده می‌شود. ترجمهٔ شمیم بانو از داستان‌های تاگور و قاضی نذرالاسلام به فارسی، نمونه‌ای از جهت دوم است (خان، ۲۰۱۷). پژوهش تنجینه بنت نور دربارهٔ ترجمهٔ بنگالی شاهنامه اثر منیرالدین یوسف، نمونه‌ای از توجه به نقد و ارزیابی ترجمه است.

این دو نوع فعالیت باید از هم تفکیک شوند: ترجمه، متن را برای مخاطب زبان مقصد فراهم می‌کند؛ نقد ترجمه، انتخاب‌های مترجم و شیوهٔ بازنمایی متن را موضوع بررسی قرار می‌دهد. حضور هر دو در سوابق علمی، نشان‌دهندهٔ تنوع فعالیت‌های مرتبط با انتقال ادبی و فرهنگی است. پژوهش‌های امّ‌سلمه و رضوانه اسلام شاممی دربارهٔ روابط فارسی و بنگالی نیز این محور را تکمیل می‌کند.

بر این اساس، مشارکت زنان در مناسبات دو زبان را نمی‌توان تنها با شمار ترجمه‌ها توضیح داد. مطالعه تأثیرات زبانی، بررسی دریافت آثار و نقد ترجمه نیز در این مناسبات نقش دارند. البته ادعای تغییر در نگرش خوانندگان یا گسترش مخاطبان، نیازمند پژوهش مستقلی دربارهٔ دریافت آثار است.

## تنوع موضوعی درپژوهش‌های ادبی

در فهرست موضوعات پژوهشی تهمینه بیغم، ادبیات معاصر، اندیشه‌های اجتماعی و اخلاقی، پروین اعتصامی، سهراب سپهری، بهار و داستان فارسی دیده می‌شود. این مجموعه نشان می‌دهد که مسائل اجتماعی، طبیعت و تجربهٔ زنان در کنار موضوعات کلاسیک و عرفانی قرار گرفته‌اند. سوابق رضوانه اسلام شاممی نیز موضوعاتی مانند مولانا، اقبال، خواجه عبدالله انصاری، خیام، شهریار و شعر کلاسیک را دربرمی‌گیرد.

در فعالیت‌های اسما اختر، مطالعات خیام، فنا و بقا در تصوف و مقایسهٔ اندیشه‌های عرفانی گزارش شده است. در سوابق اتکیا آنتورا نیز پژوهش دربارهٔ نیما یوشیج، ادبیات معاصر، زبان‌شناسی و ترجمه مطرح شده است. این موضوعات بر اساس اطلاعات علمی ارائه‌شده بررسی می‌شوند و شمار آثار یا سمت اداریِ زمان حاضر، مبنای استدلال نیست.

از کنار هم قرارگرفتن این موارد می‌توان تنوع موضوعی را مشاهده کرد؛ اما نمی‌توان بدون داده‌های مقایسه‌ای نتیجه گرفت که زنان به‌تنهایی سبب پیدایش این حوزه‌ها شده‌اند یا پژوهش آنان از فعالیت مردان متمایزتر است. نتیجهٔ قابل دفاع آن است که در موارد بررسی‌شده، زنان در طیفی از

موضوعات کلاسیک، معاصر و میان‌رشته‌ای فعالیت دارند.

### تحصیلات تکمیلی و انتقال دانش

ثبت پژوهش‌های زنان در مقاطع دکتری و امفیل، یکی دیگر از شواهد استمرار فعالیت دانشگاهی است. در کتاب سرکار(۲۰۲۱)، موضوعاتی مانند جایگاه زنان در آثار اقبال، روابط بنگلادش و ایران و مدح پیامبر اسلام در شعر سعدی ذکر شده است (سرکار، ۲۰۲۱، صص. ۷۷ـ۷۹). پژوهش‌های فاطمه یاسمین، هُمایرا یاسمین، زهرا اختر و مِهجابین اسلام نمونه‌هایی از تنوع موضوعات گزارش‌شده‌اند.

موضوع برخی از این پژوهش‌ها مستقیماً ادبی است و برخی به تاریخ روابط یا مسائل اجتماعی مرتبط می‌شود. بنابراین، باید میان پژوهش درباره متون فارسی و پژوهش انجام‌شده در یک نهاد مطالعات فارسی تفاوت گذاشت. قرارگرفتن یک رساله در گروه فارسی، به‌تنهایی نشان نمی‌دهد که تمام منابع یا روش آن ادبی بوده است.

فعالیت آموزشی، راهنمایی پژوهش و حضور در باشگاه‌های زبانی، ظرفیت انتقال دانش میان نسل‌ها را ایجاد می‌کند. بااین‌حال، برای ترسیم دقیق شبکهٔ استاد و شاگرد و اندازه‌گیری استمرار حرفه‌ای دانش‌آموختگان، اطلاعاتی درباره رساله‌های راهنمایی‌شده و مسیر شغلی فارغ‌التحصیلان لازم است. شواهد کنونی بیشتر شکل‌های این انتقال را نشان می‌دهد تا میزان آن را.

- **یافته‌های مصاحبه: تجربه‌ها و شرایط حرفه‌ای**

### ارزیابی شایستگی و شرایط کار

در یکی از روایت‌ها، ضرورت اثبات مداوم توانایی‌های حرفه‌ای زنان مطرح شده است. مشارکت‌کننده، عملکرد علمی و محیط سازمانی حمایتگر را در ارزیابی شایستگی مؤثر دانسته است.

این روایت می‌تواند نشان‌دهندهٔ تجربه یا ادراک نابرابری در به‌رسمیت‌شناختن توانایی زنان باشد؛ اما برای اثبات تبعیض نظام‌مند، بررسی ضوابط استخدام، ارتقا و ارزیابی و مقایسهٔ تجربه‌های گروه‌های مختلف لازم است.

حجم مسئولیت‌ها و تنظیم ساعات کار نیز در روایت‌ها اهمیت دارد. تفسیر محتاطانه این است که امکان پژوهش و پیشرفت حرفه‌ای، علاوه بر تلاش فردی، با نحوهٔ توزیع وظایف ارتباط دارد. داده‌های موجود میزان بار کاری یا تفاوت آن میان زنان و مردان را اندازه‌گیری نمی‌کند.

**روابط سلسله‌مراتبی در محیط دانشگاهی**

یکی از مصاحبه‌شوندگان به دشواری روابط میان همکاران ارشد و اعضای جوان هیئت علمی اشاره کرده است. در این تجربه، هماهنگی با شیوه‌های تثبیت‌شده و اعمال نفوذ همکاران ارشد، بخشی از مسئله بوده است. این مضمون را نباید بدون شواهد تکمیلی، صرفاً جنسیتی دانست؛ زیرا جایگاه شغلی، سابقه و فرهنگ سازمانی نیز می‌تواند در آن نقش داشته باشد.

از منظر موضوع مقاله، اهمیت این روایت در پیوند مشارکت علمی با امکان اظهار نظر و ابتکار حرفه‌ای است. حضور در دانشگاه، الزاماً به معنای برخورداری یکسان از فرصت تصمیم‌گیری نیست. برای روشن‌کردن نقش جنسیت در این مناسبات، مطالعهٔ مقایسه‌ای و داده‌های سازمانی ضروری است.

**حمایت خانواده و فرصت‌های تحصیلی**

در یکی از روایت‌ها، نمونه‌ای از محدودشدن امکان ادامه تحصیل در خارج از کشور بر اثر حمایت ناکافی خانواده بیان شده است. این گزارش نشان می‌دهد که میان وجود فرصت تحصیلی و امکان بهره‌گیری از آن فاصله‌ای ممکن است وجود داشته باشد. از آنجا که روایت به یک مورد اشاره دارد، نمی‌توان فراوانی چنین وضعیتی را برآورد کرد یا آن را تجربه همهٔ مشارکت‌کنندگان دانست.

تفسیر این مضمون باید حمایت عاطفی، مسئولیت مراقبتی، شرایط مالی و امکان جابه‌جایی را از یکدیگر تفکیک کند. داده‌های موجود جزئیات این عوامل را روشن نمی‌سازد؛ بااین‌حال، برای پژوهش‌های بعدی، توجه به رابطه میان شرایط خانوادگی و فرصت‌های علمی را مطرح می‌کند.

**انگیزش دانشجویان و آموزش امتحان‌محور**

در روایت‌ها، تلقی برخی دانشجویان از فارسی به‌عنوان درسی برای امتحان و تمایل محدود به تمرین گفتاری گزارش شده است. این مضمون به شرایط عمومی آموزش زبان مربوط است و نباید به‌عنوان مانعی اختصاصی برای زنان معرفی شود. اهمیت آن در تجربهٔ استادان زن، به مسئولیت آنان در ایجاد انگیزه و فراهم‌کردن فرصت کاربرد زبان بازمی‌گردد.

یکی از مشارکت‌کنندگان به استفاده از تجربه‌های حرفه‌ای خود برای ترغیب دانشجویان اشاره کرده و گفته است که این اقدام همیشه با برداشت مورد انتظار مواجه نمی‌شود. این روایت، پیچیدگی ارتباط استاد و دانشجو را نشان می‌دهد؛ اما بدون دریافت دیدگاه دانشجویان نمی‌توان علت واکنش آنان را تعیین کرد.

داده‌ها امکان ارزیابی اثربخشی فعالیت‌هایی مانند مکالمه، مناظره یا ترجمه در کلاس را فراهم نمی‌کنند. بااین‌حال، مسئلهٔ گزارش‌شده، ضرورت بررسی رابطهٔ میان اهداف برنامه درسی، انتظارات دانشجویان و کاربرد عملی فارسی را برجسته می‌کند.

**بحث: نسبت فعالیت علمی و شرایط مشارکت**

مقایسهٔ شواهد اسنادی و روایت‌های حرفه‌ای، دو سطح مکمل را آشکار می‌کند. در سطح نخست، زنان در تولید منابع، پژوهش تاریخی و ادبی، ترجمه و آموزش فعالیت کرده‌اند. در سطح دوم، امکان استمرار این فعالیت‌ها با شرایط کار، روابط نهادی، حمایت خانواده و مسائل آموزشی پیوند دارد. این دو سطح نباید با هم خلط شوند: وجود آثار علمی، نبود موانع را ثابت نمی‌کند و گزارش موانع نیز میزان دستاوردهای علمی را تعیین نمی‌سازد.

در پاسخ به پرسش نخست، مشارکت زنان در موارد بررسی‌شده چندوجهی است. فعالیت عابده حافظ با دسترسی به منابع تاریخی، آثار کلثوم ابوالبشر با تولید منابع آموزشی، پژوهش‌های شمیم بانو با مسائل زبان و ترجمه، و سوابق پژوهشگران دانشگاه‌های راجشاهی و چیتاگونگ با تنوع موضوعات ادبی و عرفانی ارتباط دارد. این دسته‌بندی، هم‌پوشانی نقش‌ها را نیز نشان می‌دهد؛ یک پژوهشگر ممکن است در چند محور فعالیت داشته باشد.

در پاسخ به پرسش دوم، نسبت فعالیت زنان با تداوم مطالعات فارسی از طریق فراهم‌کردن منابع، تدریس و پژوهش تحصیلات تکمیلی قابل توضیح است. نسبت آن با تحول رشته نیز در پرداختن به موضوعات معاصر، آموزش زبان، فناوری و نقد ترجمه دیده می‌شود. بااین‌حال، «ظرفیت برای تداوم و تحول» دقیق‌تر از «اثبات تأثیر مستقیم بر توسعه» است؛ زیرا داده‌های مربوط به استفاده از منابع، نتایج یادگیری یا روند زمانی تغییرات رشته فراهم نیست.

در پاسخ به پرسش سوم، روایت‌ها از ترکیبی از مسائل جنسیتی، سازمانی و آموزشی حکایت دارند. ضرورت اثبات توانایی و محدودیت‌های خانوادگی می‌تواند با جنسیت مرتبط باشد؛ روابط ارشد و جوان و انگیزش دانشجویان نیز ابعاد عمومی حرفه دانشگاهی دارند. تفکیک این سطوح مانع آن می‌شود که همهٔ مشکلات به جنسیت نسبت داده شود یا تجربه‌های مرتبط با جنسیت در مشکلات عمومی دانشگاه نادیده بماند.

در قیاس با مطالعات تاریخی و شرح‌حال‌محور، دستاورد این مقاله انتقال کانون بحث از فهرست اشخاص به رابطهٔ میان نوع فعالیت و شرایط آن است. بااین‌حال، نبود داده‌های مربوط به مردان، شمار کل اعضای هیئت علمی، ثبت‌نام دانشجویان و تغییرات زمانی، امکان تحلیل سهم نسبی زنان یا مقایسهٔ جنسیتی را محدود می‌کند.

## دلالت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی

بر اساس مسائل مطرح‌شده، شفاف‌سازی معیارهای ارزیابی و توزیع مسئولیت‌های آموزشی و اداری و تقویت همکاری میان اعضای ارشد و جوان می‌تواند موضوع اقدام نهادی قرار گیرد. این پیشنهادها از روایت‌های حرفه‌ای برمی‌آید و اثربخشی آن‌ها در این پژوهش آزموده نشده است.

در آموزش فارسی، می‌توان فعالیت‌های گفتاری، ترجمه و کار گروهی را با اهداف برنامه درسی پیوند داد و پیش از اجرای گسترده، نتایج آن‌ها را در مطالعه‌ای محدود ارزیابی کرد. شناخت دیدگاه دانشجویان دربارهٔ رشته و مسیر حرفه‌ای، مکمل روایت استادان خواهد بود.

برای پژوهش‌های بعدی، تشکیل فهرستی مستند از آثار و رساله‌ها با تفکیک زبان، نوع اثر و وضعیت انتشار پیشنهاد می‌شود. بررسی آمار ثبت‌نام، استخدام و ارتقا به تفکیک جنسیت و در دوره‌های زمانی مشخص، امکان تحلیل مشارکت نسبی را فراهم می‌کند. همچنین، مطالعهٔ مصاحبه‌ای با تنوع بیشتر مشارکت‌کنندگان و ثبت دقیق مراحل تحلیل می‌تواند ابعاد جنسیتی و سازمانی تجربه‌ها را روشن‌تر سازد.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در موارد بررسی‌شده، مشارکت زنان در مطالعات دانشگاهی فارسی در بنگلادش به تدریس محدود نیست؛ حفظ میراث مکتوب، تولید منابع آموزشی، ترجمه، پژوهش ادبی و فعالیت‌های مرتبط با تحصیلات تکمیلی نیز در این مشارکت جای دارد. این

فعالیت‌ها ظرفیت‌هایی برای استمرار آموزش و گسترش موضوعات پژوهشی ایجاد می‌کنند، هرچند میزان اثرگذاری آن‌ها با داده‌های موجود قابل سنجش نیست.

روایت‌های شش استاد زن، اهمیت ارزیابی حرفه‌ای، روابط سازمانی، حمایت خانواده و انگیزش دانشجویان را نشان می‌دهد. نتایج بر ضرورت تفکیک مسائل جنسیتی از مشکلات عمومی آموزش فارسی تأکید دارد. شناخت نقش زنان در این حوزه، زمانی دقیق‌تر خواهد بود که شواهد فعالیت علمی با اطلاعات مستند از شرایط مشارکت و روندهای نهادی تکمیل شود.

**منابع:**


۱. خان، عبد الصبور. (۲۰۱۷م). ***بنگلای فارسی وشا شهیتّا و سنسکریتی بیکاشر ایتیهاش***.. انتشارات رودلا.

۲. خان، ک. م. سیف الاسلام. و حسن، مهدی (ویراستارآن). (۲۰۲۲م). ***داکا بیششا بیددالای فارسی بیوگ و بنگلادشِ فارسی چارچا***. بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا.

۳. سرکار، محمد ابوالکلام. (۲۰۱۵م). ***بنگلادشِ فارسی آنوباد شهیتّا ۱۹۷۱–۲۰۰۵***. بنگلادش ایشیاتیک سوسایتی.

۴. ..... (۲۰۲۱م). ***داکا بیششا بیددالای شاتوبارشِر گابِشونا، پی.اچ.دی و ام. فیل***. انتشارات اتیبرّیتتّا.

۵. ..... (۲۰۲۱م). ***اُددابوک دکتر کلثوم ابوالبشر بنگلادشِ فارسیر الوکبورتیکا***. انتشارات ایتیببرّیتّو.

۶. سهسرامی، دکتر محمد کلیم. (۱۹۹۹م). ***خدمتگزاران فارسی در بنگلادش***. رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۷. عبدالله، محمد. (۱۹۸۳م). ***بنگلادشِ فارسی ساهیتیو***. ایسلامیک فاوندیشن بنگلادش.

۸. عبدالکریم. (۱۹۷۷). ***مسلم بنگــلار ایتیهاش و اُیتیججو***. بنگلا آکادمی.

۹. غوش، بیشواجیت (ویراستار). (۲۰۲۱م). ***شاتوبارشِر الوای دانشگاه داکا***. دانشگاه داکا.